



۲۰۱۷/۱۲/۰۲

میر عنایت الله سادات

پیدایش، تکامل و دورنمای زبان دری

قسمت دوم

تکامل زبان دری در کشور های مجاور:

در ماوراء النهر که روزی پرورش دهنده "استاد شاعران" زبان دری (رودکی) (G) بود، پس از هجوم ترکان در آنجا، عرصه برای پهنای زبان دری محدود گردید. جمعیت ترکی زبانان فزونی یافت و دایره سکونت دری زبانان از جانب آنها محاط شد. نه تنها شمار زیادی از لغات و لهجه های ترکی در زبان دری ساکنان آنجا راه یافت، بلکه برخی ساختار های نحوی نیز در تحت تأثیر ترکی (ازبیکی) قرار گرفت. به طور مثال در زبان تاجیکی امروز جملات بدون فعال ربطی "است" استعمال می شوند. طور مثال جملات "خدا قادر است" و "یا" دوست من بسیار مهربان است" به شکل "خدا قادر" و "یا" دوست من بسیار مهربان" بکار می رود. (۲۰) مثال دیگر کلمه "ایشتاو" است که از زبان ترکی گرفته شده و به عوض "چطور هستی؟" استعمال میشود. همینطور پس از تقرب روس ها به دریای آمو، لسان روسی نیز در ماوراءالنهر رواج یافت که بالاخر آن، معدودی از کلمات روسی در زبان دری آنجا داخل شده است. در نیم قاره هند، زبان دری ابتداءً بوسیله لشکر محمود غزنوی انتقال یافت. غوری ها آنرا پهن تر ساختند. سپس دودمان های مختلف در گسترش و ترویج آن از طریق دربار و بیوروکراسی سهم گرفتند که از آن میان مساعی خلجی ها و لودی های افغان و شاهان مغلی در آن دیار برجسته می باشد. تسلط طولانی شاهان مغلی در هند سبب شد که زبان دری در هند بیشتر مشحون از لغات و اصطلاحات رایج در ماوراءالنهر باشد. زیرا منشاء نژادی این شاهان و منشی های آنها ماوراءالنهر بود. (۲۱) کارترویج زبان دری در هند برای هشت صد سال یعنی از شروع سوقيات

(G) - رودکی در نیمه قرن سوم در محلی به نام پنجه مربوط قریه رودک که نزدیک سمرقند است، متولد و در همان جا به سال ۳۳۹ هه ق در گذشته است.

۲۰- طباطبایی، محمد محیط "دُر دری" ص ۲۱، مجموعه مقالات، مطبوعه انتشارات کیهان، تهران (۱۳۷۳ هه).

۲۱- کهزاد، احمد علی "افغانستان و ایران" ص ۳۳، چاپ کابل، سال (۱۹۵۱ م).

عسکری سلطان محمود (حمله بر پنجاب در سال ۱۰۰۷م) تا اشغال سراسر هند از جانب انگلیس ها (۱۸۱۴م) در عرصه های مختلف زندگی رونق داشت. در همین مقطع زمانی شاعران نامدار زبان دری در نیم قاره هند سربرافراشتند که از آن میان می توان از اینها نام برد: ابوالفرج لاهوری و معاصر وی مسعود سعد، امیر خسرو دهلوی و معاصر وی خواجه حسن دهلوی، فیضی دکنی، شنبلی نعمانی، ابوالمعانی بیدل، طالب عاملی، میرزا غالب، غنی کشمیری و اقبال لاهوری در گسترش زبان دری در آن سرزمین دست بالا داشته و ادب دری را در مجموع غنا بخشیدند.

شاعران هندی در پهلوی سبک های خراسانی و عراقی، سبک دیگری را به نام "سبک هندی" در هنر شعر دری بوجود آوردند. شگوفائی ادب دری تا تسلط کامل انگلیس ها بر هند (۱۸۱۴م) ادامه داشت تا بالاخره پس از آنکه انگلیس ها بر تمامی ایالات آن سرزمین مسلط گردیدند. این وقت است که زبان انگلیسی در هند رسمیت یافت و تعلیم یافته گان مکلف به فراگیری آن شدند. بالنتیجه زبان دری نه تنها در حاشیه قرار گرفت بلکه شماری از اصطلاحات انگلیسی نیز در آن داخل شد.

در فارس (ایران کنونی) همانطوریکه در آغاز این نوشته تذکر رفت. "زبان دری تا جائیکه شواهد نشان می دهد، بعد از قرن سوم هجری، در خاک فارس منتشر شد." (۲۲) این زمان تدریجاً جای زبان مضمحل شده پهلوی را گرفت و با قامت افزایی در برابر زبان عربی، مانع سیاست عربی سازی اموی ها در فارس گردید. بعضی از نویسندگان ایرانی همچنان که مرحوم کهزاد نیم قرن پیش به آن اشاره کرده بود، هنوز هم در مورد سوابق و پیدایش زبان دری، معلومات خلاف واقعیت های تاریخی را پیشکش می نمایند که با این کار، آثار شان ماهیت علمی خود را از دست داده و صرفاً جهات پروپاگندی آن باقی می ماند.

زبان دری در فارس به نام "فارسی" و یا بر طبق تلفظ در زبان پشتو به "پارسی" شهرت یافت ولی نویسندگان و شعرای بزرگ آن خطه ادب پرور آثار شان را منوط و متعلق ادب دری دانسته اند. لسان الغیب حافظ شیرازی مردمان عصر خود و آیندگان را اینطور به آموزش ادب دری تشویق می کند:

ز شعر دلکش "حافظ" کسی شود آگاه

که لطف طبع و سخن گفتن دری داند

نظامی گنجه ئی در توصیف زبان دری می گوید:

نظامی که نظم دری کار اوست

دری نظم کردن سزاوار اوست

همینطور سعدی در توصیف زبان دری می گوید :

قلم است این بدست سعدی

یا هزار آستین در دری

فردوسی مبارزات مردمان افغان زمین و ایران زمین را علیه بیگانگان در آن سطحی قید شهنامه نمود که بهترین افاده و گویش در قالب شهکار نظم دری است. زبان دری در ایران، همانطوریکه نویسندگان و شعرای بزرگ آنرا بکار گرفته بودند، باقی نمانده و بخاطر برخی عوامل دستخوش تغییرات شده است. در "دانش نامه ادب فارسی" که در تحت نظر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ایران به نشر می رسد، چنین مرقوم گردیده است: "فارسی ایرانی با زبان دری تفاوت های دارد. این تفاوت ها نه تنها در کاربرد اصطلاحی لغات است، بلکه همچنان از جهت کاربرد واژه های روزمره زندگی و نیز نام بسیاری از کالاها (اجناس) و اصطلاحات وارداتی نیز می باشد." (۲۳) علت توریج اصطلاحات وارداتی، آشنائی بهتر منورین ایران با لسان های خارجی و همچنان راه یافتن اصطلاحات السنه محلی آنکشور در زبان فارسی است. در رابطه به تأثیر لسان های خارجی باید متذکر شد که متفاوت بودن منابع تقلید و پیروی از منابع جداگانه موجب پیدایش اصطلاحات ازهم متفاوت در افغانستان و ایران گردید. این پدیده، بازم فارسی ایرانی را از زبان مروج دری در افغانستان متفاوت ساخت. بگونه مثال نام های "نکتائی"، "جنرال"، "سگرت" و "موتر" از انگلیسی به افغانستان آمد و در ایران "کراوات"، "ژنرال"، "سیگار" و "اتوموبیل" از فرانسوی اقتباس شدند. چنین موارد کم نبوده و اگر گاه گاهی نویسندگان ایرانی ترجمه کلمات اروپائی را بکار گرفته اند، خود کلمات ترجمه شده برای افغان ها نا آشنا بوده و قابل دقت می باشد.

مسئله یی که سالها پیش در زمان رضا شاه در ایران مورد مناقشه قرار داشت، اکنون مدتی است که در میان افغان ها بخصوص افغان های خارج کشور گاه گاهی شدت می یابد.

تصفیه کلمات عرب و عواقب آن:

رضا شاه می خواست که پایه های سلطنت خود را در اتکاء به گذشته فارس استوار ساخته و ضدیت با فرهنگ عربی را منحصیث وسیله تحریک احساس هموطنانش در جهت تأمین وحدت ملی بکار گیرد. او می دانست که خلیج میان سلطنت و ملت روزتاروز بزرگ شده می رود و دولت قادر نیست که به خواسته های حقیقی مردم پاسخ واقع بینانه ای را ارائه کند. لذا وی از اعتراضات مردمش طفره رفته، مسایل خارجی و حتی تضاد های فرهنگی را با اعراب، از لابلای تاریخ جستجو و مطرح می کرد. مقصود رضا شاه از این اقدام در گام نخست تدارک و تحکیم پایه های مردمی برای رژیم سلطنتی آنوقت ایران بود. درین راستا حکومت او مسئله پاکسازی زبان فارسی را از کلمات و افاده های عربی نه تنها به مباحثه کشانید، بلکه منحصیث مشی نشراتی خود تعقیب می کرد. بنا بر همین مشی در

۲۲ - حسین، عبدالنعیم "در دری" در بخش گفتگو ها، ص ۱۳۹ سال ۱۳۷۴ هه ش).

حالاتی که ترکیبات فارسی وجود نداشت، بیشتر به اصطلاحات عامیانه پناه برده شده و با ترجمه های تحت الفظی که برای خواننده نا آشنا اند، در نشرات آنکشور بازتاب یافت. این تغییرات برای خوانندگان، بخصوص خوانندگان افغان معضله فهم و ادراک موضوع را بوجود آورد. اکنون آگاهانه و یا ناخود آگاه بعضی ها می خواهند همین معضله را در افغانستان تکرار نمایند.

اگر هدف همین باشد که از استعمال کلمات عربی بخاطر خارجی بودن آن جلوگیری شود، لازم به یاد دهانی است که در طول عمر موجودیت زبان دری شمار قابل ملاحظه ای کلمات بیگانه از لسان های مختلف دیگر نیز در زبان دری ترویج یافته اند که با بیرون ساختن آنها مشکل افاده بمیان می آید.

به طور مثال اگر کلمه "قانون" که اصلاً یک لغت یونانی است، حذف شود و یا "خانم" منحیث کلمه ترکی به کار گرفته نشود، جانشین آنها چه خواهد بود؟ همین طور چگونه می توان به عوض کلماتی چون "پُشته" (بلندی) از سنسکریت، "قشلاق"، "سوغات" و "جارچی" (منادی) از زبان ترکی و مغلی، "سماوار" از زبان روسی، و یا "چاپ" و "جنگل" که از زبان هندی اقتباس شده اند، کلمات معادل پیدا کرد؟ آیا دری زبانان برای ترویج کلمات جدید آماده اند؟ مفیدیت از ترویج کلمات جدید به عوض اصطلاحات عام فهم و مورد قبول همگانی چه می باشد؟ یقیناً هیچ!!!

پس از دسترسی تنظیم های "جهادی" به قدرت دولتی افغانستان، مرحله دیگری از انحطاط ادبی در جامعه افغانی رونما گردید. جای قلم را تفنگ گرفت و گل های ادب در مقابل "منطق زور" توان شگوفائی شانرا از دست دادند. از زمان آغاز جنگ های تنظیمی برای گرفتن قدرت در سال (۱۹۹۲م) تا سقوط طالبان (۲۰۰۱م) یعنی در هر دو دوره حاکمیت تنظیمی و طالبی دروازه های علم و معرفت به روی افغان ها مسدود شد. در این سال ها همه امکانات برای پخش و اشاعه السنه افغانستان از جمله ادب دری از میان رفت و یا خارج از استفاده ماندند. درین مدت کدام مؤسسه بی برای انکشاف زبان دری در داخل وجود نداشت تا به کمک آن در عوض لغات عربی، ترکیبات دری سراغ و به کار گرفته می شدند. در چنین شرایط هواداران افغانی تصفیة اصطلاحات عربی از ادب دری، در خارج کشور دست به کار شدند، آنها به بسیار عجله اصطلاحات جدیداً به کار گرفته شده در ایران را در عوض کلمات عربی به عاریت گرفته، معضله دیگری را برای خوانندگان افغانی ایجاد کردند. وقتی که خوانندگان علت ظهور کلمات نا آشنا را جویا شدند، ایجاد کنندگان این معضله، سخن را به جای دیگر کشانیده، ده ها مسایل نفاق برانگیز را پیرامون مسایل ملی و حتی نام افغانستان در صفحات جراید شان انعکاس دادند، که هیچگونه ارتباط به سؤال مطروحه نداشت (H) بناءً سوالات همچنان لاجواب ماندند و خوانندگان در مورد تعویض مقلدانة کلمات دچار اندیشه شده و علاقمندی آنها به مطالعه این نشریه ها کاهش یافت. زیرا افغان ها که قرن ها قبل به لغات و اصطلاحات عربی آشنا شده بودند و از نگاه افهام و افاده کلمات فعلاً کدام مشکلی را احساس نمی کنند، بی موجب باید بار دیگر متحمل زحمت شده و کلمات نا مانوس دیگری را فرا می گرفتند.

آیا پاکسازی لسان دری از عربی موجب نخواهد شد که نسل های بعدی مواریت گذشته ادبی شانرا درک نتوانند؟؟؟

(H) در برابر فتنه علیه "نام افغانستان" و در دفاع از هویت ملی افغانها که ذریعة کلمات "افغان" و "افغانیت" مشخص می شود، شماری از و طنخواهان اعتراض نموده اند. با مراجعه به آرشیف آرینا افغانستان آنلاین، (www.arianafghanistan.com) مقالات آقای ولی احمدنوری و نویسندگان دیگر را مطالعه نمایند

اگر آنها مفاهیم بزرگ شعراء و فلاسفه عهد خراسان را درک نتوانند، چطور می توان ادعا کرد که سیر ادبی در کشور منقطع نمی شود؟ ترک ها در دوره زمامداری مصطفی کمال این تجربه را کردند. زبان ترکی را از لغات عربی و بعضی اصطلاحات کشور های مجاور تخلیه نمودند. نتیجه چه شد؟ اثری که سالی پیش از این تصفیه در (۱۹۲۶ م) برای مکاتب نوشته شده بود، در سال (۱۹۲۸ م) تدریس نمی شد، مگر اینکه آنرا به زبان جدید ترجمه می کرد. اکنون که ترکیه گذشته ای ادبی قریب به هشتاد ساله دارد، نمی تواند نویسنده بزرگی پرورش بدهد. (۲۴)

از هواداران تصفیه لغات عجین شده در زبان دری، باید پرسید که آیا محتوی و قواعد ادبی مهم است؟ و یا جانشین ساختن لغات اصطلاحی و افاده های مروج از یک کشور دیگر به عوض کلمات عام فهم عربی؟ این یک واقعیت غیر قابل انکار است که مردم افغانستان با شمار زیاد کلمات عربی از سیزده قرن به این طرف معرفت حاصل کرده و به خاطر ذهن نشین ساختن آن کدام مشکلی وجود نداشته و هیچگونه تشویشی ازین رهگذر مصرح نمی تواند .

زبان منحیث وسیله ای سیاست:

اکنون همه می دانند که زبان پشتو مانند زبان دری متعلق به خانواده (هندو - آریائی) بوده و یکی از داشته های با ارزش مردم افغانستان است . درین لسان لغات عربی کمتر نفوذ کرده و شمار زیادی لغات اقتباس شده بخاطر دو لسانه بودن افغان ها از دری به پشتو انتقال یافته است .

همانگونه که سایر زبان ها و اصطلاحات گفتاری داخل افغانستان در زبان پشتو نفوذ کرده اند ، زبان پشتو نیز متقابلاً بر آنها اثر گذاشته است . شعراء و ادبای پشتو زبان در ارتقای فرهنگ ملی و زنده نگهداشتن روحیه ملی افغانها خدمات بزرگی انجام داده اند . اکثر حماسه های مردم افغانستان بگونه ای نهایت دلپذیر در این زبان انعکاس یافته و به سروده های جاویدانی مبدل شده اند . بناءً بی جهت نیست که قوانین اساسی افغانستان در گذشته و حال روی تکامل و انکشاف این زبان منحیث یکی از دولسان رسمی و ملی افغانستان تاکید می ورزد . لسان وسیله تکلم و انعکاس دهنده غنای فرهنگی ملتها در درازنای تاریخ است . تعصب در مورد یک لسان و یا برتری طلبی علیه لسان دیگر وطن مشترک ما، پی آمدی غیر از نفاق و تفرقه چیز دیگری در قبال نداشته و آب را به آسیاب دشمنان وحدت ملی افغانها می ریزد. در افغانستان یک لسان واحد وجود ندارد ، لذا تلاش برای یگانه ساختن آن چشم پوشی از حقوق گویندگان سایر لسان ها بوده و در واقع ، مقابله با فرهنگ ملی همه افغان ها می باشد .

اگر هموطنی در نشریه های خارج کشور ادعا می کند که مردم افغانستان به منظور برپایی " روند مؤفقانه نظام سازی" باید دری را منحیث یگانه زبان سرتاسری برگزینند، باید به این سؤال هم پاسخ بدهد، که ای چه فرقی دارد؟ آیا این " طرح" و آن "تصمیم" دو روی یک سکه ای ناچل نیست؟ وقتی ما امروز پس از ۱۳ قرن سیاست عظمت طلبی بنی امیه را در مناطق مفتوحه انتقاد می کنیم، آیا انسان های قرن بیست و یکم حوصله چنین یکه تازی ها را دارد ؟ به یقین که نه !!! پس باید از دقت کار گرفت و واقعیت ها را آنطوری که هست، شناخت.

۲۴- ذولفقار، ملیحه "پناهگزیبان افغان در ایالات متحده امریکا و جرمنی" به انگلیسی ص ۱۴ چاپ سال (۱۹۹۷ م) مطبوعه لیت ، شهر مونستر المان.

از جمله زبان های مردم افغانستان ، پشتو و دری لسان رسمی و ملی افغانستان بوده و تقویۀ آنها موجب ارتقای غنای فرهنگی ملی ما می شود .

درست است که امروز بخاطر ضدیت با جانب مقابل نمی توان حبا و قبای مذهب را به تن کرده و مخالفین را به غیراسلامی بودن متهم نمود، زیرا که نشئت چنین برچسپ زدن ها، از بام افتاده و دیگر چسپش ندارند. اما دست یازیدن به وسیله زبان و حربۀ ساختن آن در جهت نیل به اهداف سیاسی هم مشروعیت نداشته و نتایجی غیر از خرابکاری بگونه گذشته چیزی دیگری نخواهد داشت. بخاطر جلوگیری از چنین پی آمد ها در ماه (۳۵) قانون اساسی جدید افغانستان صریحاً قید گردیده است که "تأسیس و فعالیت حزب بر مبنای قومیت، سمت، زبان و مذهب فقهی جواز ندارد" ولی هنوز هم شماری از گردانندگان جراید که به این اصول ارج نمی گذارند، کم نیستند. آنها جراید شان را در خدمت تعصبات قرار داده و می کوشند تا خوانندگان، مانند خود شان دچار تنگ نظری شوند در برخی نشریه های برون مرزی ادعا می شود که چرا این یا آن اسم مروج در ایران جانشین فلان کلمه پشتو نمی شود؟ بدون آنکه ضرورت عینی برای تعویض آن ارائه گردد.

واقعیت این است که هواداران این تعویض ، زمانی که گروه رزمی شان در منطقه ای تحت تسلط آنها حاکم بود، بخاطر عجبین بودن کلمات و اصطلاحات ای پشتو در لسان شان، نتوانستند جای کلمات مورد استعمال روز مره را عوض نمایند. نمونه بارز این واقعیت، استعمال اصطلاحات مندرج در تعلیم نامه های نظامی می باشد که تا الحال در میان گروه های رزمی مروج بود و هست.

دورنمای زبان دری در افغانستان:

مردم افغانستان ولو که پشتو زبان مادری شان نباشد ، آشنائی کافی به آن داشته و در برابر کلمات مدغم شده آن در زبان دری شناخت کامل دارند. بنابر آن اصطلاحات پشتو از رهگذر افهام و تفهیم هیچگونه مشکلی را برای باشندگان افغانستان بمیان نمی آورد. اما برای دری زبانان در کشور های مجاور و یا دری شناسان از سایر کشور ها، پیچیدگی هائی را در قبال دارد. پس بهتر است که برای آن آثار ادبی علمی پی که متقاضیان آن در خارج سرحدات افغانستان قرار دارند، توضیحات بخصوص از کلمات بکار برده شده محلی و یا پشتو در پاورقی صفحه گنجائیده شود. به این ترتیب آثار مورد نظر هم در داخل و هم در خارج افغانستان قابل درک گردیده ، کتب و مجلات افغانی سهم بهتری در بازار نشرات خارج کشور خواهند داشت . طی سال های ۱۹۹۲ تا ۲۰۰۲ م که تقریباً همه فرهنگیان اجباراً از وطن شان کوچیدند، مکاتب احراق گردید و کتابخانه ها غارت شد ، هیچگونه بازار فروش مجلات و کتب در داخل افغانستان وجود نداشت . در چنین اوضاع و احوال چون مؤسسات طباعتی تخریب و یا تعطیل بودند، شعراء و نویسندگان افغان مجبور می شدند تا ناشران آثار شان را در خارج کشور جستجو نمایند . این عامل سبب می گردید که جای اصطلاحات و افاده های دری افغانستان به کلمات فارسی ایران سپرده شود، تا آثار مورد نظر زمینه نشر بیابند. در غیر آن از نشر باز می ماندند. در کنار ظهور افاده ها و لغات نا آشنا (برای افغان ها) از ایران، کلمات و

مصطلحات زبان های اروپائی نیز در شمار زیادی از نشرات افغانی خارج کشور انعکاس یافتند که بکاربرد آن نا موجه و غیر ضروری می باشد. زیرا بدیل و معادل آن در زبان دری وجود دارد. درست است که کشفیات تخنیکی و علمی در همان لسانی که مکشوف شده اند، نامگذاری شده و اکثراً در اثر ترجمه مفهوم خود را از دست داده و یا درست ترجمه شده نمی توانند. لذا می باید آنرا اقتباس نمود که این اجبار طبعاً منحصیث یک پدیده جدید الولاده تأثیر اجتناب ناپذیر بر زبان دری دارد. اما در صورتیکه افاده های عام فهم دری وجود داشته باشد، و مطلب مورد نظر به کمک آن، افاده شده بتواند، بکارگرفتن مصطلحات بیگانه و تلاش بخاطر ترویج آن، در حقیقت یک جفا کاری آشکار به داشته های فرهنگی خود ما می باشد. لسان دری مانند هر لسان دیگر همراه با چگونگی تکامل اقتصادی، اجتماعی و تحولات سیاسی در جوامع دری زبان رشد نموده و متحسس از پدیده های فرهنگی نضج یافته است. همانطوریکه در آغاز این نبشته تذکار یافت، عوامل مجبره مبتنی بر خصایص هریک از جوامع دری زبان بر این لسان در طول تاریخ اثر گذاشته که اثرات مذکور قابل بررسی ودقت اند. این اثرات بر تمام جوامع دری زبان یکسان نبوده، بلکه نظر به خصایص هر جامعه در تفاوت قرار داشته و منحصر به فرد می باشد که لاجرم موجب پیدایش تفاوت ها از نظر افاده ها، استعمال کلمات و حتی قواعد ادبی گردیده است. ترویج کلمات نا آشنا از یک کشور دیگر نه تنها باعث تکامل لسان دری نمی شود، بلکه اصلاً هیچگونه توجیهی برای رواج دادن همچو یک بدعت وجود ندارد.

بہتر آنست که تحقیق در ادبیات زبان دری وسعت یافته و آثار نویسندگان بصورت پیهم مورد نقد و بررسی قرار بگیرد. باید نسل جوان را با آثار و شہکار های پیش کسوتان ادب دری بیشتر از پیش آشنا ساخت، تا خود آنها نیز آثار ناب و اصیل را بمیان آورند. باید اصلیت زبان دری را حفظ کرد. درین راه آثار شعرای نامدار و نویسندگان بزرگ این زبان چون مشعل فروزان، مسیر حرکت مارا نور افشانی می کند.

"اگر رفتست روزی کاروان ها

از آنها آتشی مانده به جان ها

بزن آن آتش افسرده دامن

که افروزد از آن صد کوی و برزن

شرز آسا تو گرم راه خود باش

فغان شو، در فروز آه خود باش" (I)

(II) - (مایل هروی) شاعر افغان.

نگارنده: میر عنایت الله سادات
آدرس ایمیل: mesadat@yahoo.com
شهر سن دیگو - کلیفورنیا - اگست ۲۰۰۵